



۲۰۲۰/۰۷/۱۱



غوټ جانباز

اسرار دیپلوماسی و روابط افغانستان با اضلاع متحده امریکا فصل دوم

قسمت دهم

امریکا افغانستان را به رسمیت می شناسد
افزایش توجه ایالات متحده امریکا به افغانستان در آستانه و طی سالهایی جنگ دوم
جهانی

۴۳

بر بنیاد مفاد موافقتنامه، "کمپنی" مکلف می گردید تا پس از آغاز صدور نفت به خارج از افغانستان، سالانه مبلغ ۵۰ هزار دالر را برای آموزش فنی محصلان افغان در امریکا تخصیص دهد. موافقتنامه برای معیاد (۷۵) سال منعقد گردیده بود. شرایط الغای موافقتنامه برای افغانستان نهایت پیچیده ترتیب شده بود. به طور مثال در موافقتنامه گفته می شد که "کمپنی" می تواند در صورتیکه شش ماه قبل جانب افغان را با خبر بسازد، طی ده سال اول از قرارداد دست بکشد. پس از سپری شدن ده سال اول "کمپنی" باید دو سال پیش از عزم خود مبنی بر انصراف از موافقتنامه جانب افغان را مطلع بسازد. در عین حال طرف افغانستان حق نداشت موافقتنامه را ملغی قرار دهد یا از تطبیق آن منصرف گردد. (۱۵)

طوریکه مشاهده می شود افغانستان حین ترتیب و امضای موافقتنامه با "کمپنی" به عقب نشینی های بی سابقه متوسل شده بود. "کمپنی" مجوز کنترل تمام منابع نفتی افغانستان را به دست می آورد، و عملاً مالک پنج ولایت می شد. از نقطه نظر مصارف، موافقتنامه مذکور به مراتب نازلتر از معاهده مشابه کمپنی "انگلستان- ایران" بود (با ایران). اما با این همه، موافقتنامه به جانب افغانستان مبالغ هنگفتی را در آینده به دست می داد، و در صورت موفقیت پروژه مزبور تأثیر عظیمی در گُل، بالای انکشاف افغانستان برجا می گذاشت. (۱۶)

بر بنیاد معلومات امریکائی ها، اتحاد شوروی پس از آنکه معتقد شد که موافقتنامه نفتی میان افغانستان و امریکا را نمی تواند برهم بزند، تپ و تلاشی به خرج داد تا باریکه از خاک افغانستان را در امتداد سرحد دو کشور از افغانستان جدا بسازد، اما جانب افغانستان هیچگونه وقعی به این تحرکات نگذاشت. (۱۷)

موافقتنامه امتیازات نفتی میان افغانستان و امریکا دیر دوام نکرد. سروی ها و جستجوهای مقدماتی در سال ۱۹۳۷ به راه افتیدند، نتایج آن امیدوار کننده به نظر می رسید. ولی هیچگونه اتفاقی غیر مترقبه ای رخ نداد. منابع بزرگ به دست نیامد. نفت پیدا نشد.

به تاریخ ۱۹ جون ۱۹۳۸ کمپنی "اینلند کارپریشن" به طور غیر منتظره از تطبیق بعدی موافقتنامه دست کشید. اندکی قبل، به تاریخ ۱۲ جون کمپنی "امیرانین" نیز به عین عمل متوسل شده بود. "اینلند کارپریشن" اقدام غیر مترقبه خود را به شرح ذیل توضیح داد :

۱. مناطق نفت خیز صرف در شمال افغانستان و شمال ایران کشف گردیده اند. ولی کشف منابع بزرگ نفت در شبه جزیره عرب در همجواری خلیج فارس امکان حصول نفت ارزانتر را نسبت به منابع افغانستان و ایران در اختیار ما قرار میدهد، استخراج نفت در مناطق شمال افغانستان و ایران به مفاد ما نیست.

۲. اوضاع جاری اقتصادی در امریکا طوری است که کمپنی ها باید در فعالیت های خویش پیش بین تر و محتاط تر باشند.

۳. ناگواری و عدم مساعد بودن اوضاع بین المللی. به حکومت افغانستان خاطر نشان می گردید که یکی از سهامداران عمده "اینلند کارپوریشن"، "سیبورڈ کمپنی" در کشور مکسیکو با وضعیت ناگواری مواجه شده است. (به جانب ایران از خرابی اوضاع در مکسیکو یادآوری نشده بود). (۱۸) جانب امریکا برای قطع موافقتنامه با افغانستان دو دلیل محرم نیز داشت :

الف: مرگ "اوگدان میلس" و "کئیس"، دو تن از آمرین موسسه بانکی "کئیس، پامیروی اند کمپنی". اشخاص مذکور، شخصاً علاقمندی وافری به افغانستان و ایران داشتند.

ب: تلاش "سیبورڈ کمپنی" برای حفظ امتیازات و تطبیق آن در عراق جنوبی. (۱۹) به باور نویسندگان این اثر، دلیل اساسی دست کشیدن از موافقتنامه، نبود منابع بزرگ نفت در قلمرو افغانستان و ایران شمالی بود. سایر دلایل فروعات بیش نبودند.

*** **

جانب افغانستان از این اقدام غیر مترقبه هم آزرده بود، هم مایوس، و نیز متحیر از آنکه امریکائی ها با چی سهولتی از امکانات و امتیازات بی سابقه دست کشیدند، و این در حالیکه سایر کشورها برای دسترسی به آن سخت می کوشیدند. با اینهمه، جانب افغان به آقای هارت، کسیکه سند قطع موافقتنامه را به نماینده حکومت افغانستان تسلیم داده بود، یادآور شد که مقامات افغانستان در صورتی که جانب امریکا در فیصله خویش تجدید نظر بیاورد حاضر است تفاهات جدیدی را نیز مطالعه نماید. افغان ها در عین زمان اظهار آمادگی می کردند تا موافقتنامه مشابه را با کدام

کمپنی دیگری امریکایی به امضاء برسانند. (۲۰) اندکی پیشروی نموده خاطر نشان می سازیم که منابع بزرگ نفت صنعتی در قلمرو افغانستان تا امروز که شروع سده بیست و یک میلادی است کشف نشده اند. البته فعلاً .

آغاز جنگ دوم جهانی و برهم خوردن اوضاع بین المللی در گُل، ایالات متحده آمریکا را هر چه بیشتر معتقد می ساخت که موقعیت افغانستان مهم و ستراتیژیک بوده، و حقیقت مذکور باید در پالیسی خارجی آمریکا انعکاس یابد. هجوم آلمان بالای اتحاد شوروی این باور آمریکا را قویتر ساخت. به تاریخ ۲۷ جون ۱۹۴۱ «درئیفوس» سفیر آمریکا در ایران و سفیر غیر مقیم آمریکا در افغانستان راپوری را در رابطه به سفر خود به کابل به وزیر امور خارجه آمریکا سپرد. در راپور «درئیفوس» از پذیرایی گرم افغان ها حین اقامت وی در کابل یادآور می شد. افغانها ضمناً به «درئیفوس» شکوه کرده بودند که " کشور شان فاقد دوستان و همسایگان وفادار و قابل اعتماد است که بالای شان به حیث همکار و مشاور مهربان حساب شود. همه اهداف سوء را تعقیب می کنند." افغان ها به «درئیفوس» اشاره کرده بودند که رهبری کشور همیشه سعی ورزیده است تا نقش همکار و مشاور مهربان را ایالات متحده آمریکا بازی نماید.

«درئیفوس» در راپور خود از تشدید فعالیت های کشورهای انحن در افغانستان یادآور می شد و توصیه می کرد تا از کارکردهای آنها در قلمرو افغانستان به دقت نظارت صورت بگیرد. «درئیفوس» همزمان با ارائه سائر نظریات، تأکید میکرد تا واشنگتن فوراً سفارت خود را در کابل باز نماید. استدلال «درئیفوس» در این مورد قرار ذیل بود :

- ۱- آمریکا باید دست دراز افغانها را بگیرد و آنها دوستانه بفشارد.
- ۲- امکان احراز موقعیت مطمئن ستراتیژیک را در آسیا نباید از دست برود ..
- ۳- در روشنایی مذاکرات در مورد اعزام قریب الوقع معلمین و متخصصین امریکایی به افغانستان، علاقمندی واشنگتن به این کشور باید افزایش یابد. ورود معلمین و مشاورین فنی آمریکا تعداد امریکائی ها را در افغانستان بیشتر می سازد. (۲۱)

به موضوع سرزبان ها، یعنی تأمین امنیت اتباع خارجی و مخصوصاً امریکائی ها در این کشور اسلامی اکنون به نظر دیگر نگریده می شد. «درئیفوس» به وزیر خارجه کشورش اطمینان میداد که اگرچه در محاکم افغانستان تنها قوانین اسلامی قابل تطبیق می باشند، اما در عمل در قسمت خارجی ها از حسن نظر و انعطاف پذیری کار گرفته می شود. در بخش دیگری از راپور خود «درئیفوس» اطلاع میداد که جانب افغان اظهار آرزومندی نموده است تا معاهده جدید و وسیعتری را با ایالات متحده آمریکا منعقد بسازد. به باور افغانها معاهده آینده می تواند با حفظ یک سلسله ملاحظات رژیم دولت کامله الوداد را در روابط جانبین در بر بگیرد. (۲۲)

راپور «درئیفوس» با تأخیر معینی از طریق پوسته بحری به وزارت امور خارجه آمریکا رسید. آمریکا در این زمان (ماه دسمبر ۱۹۴۱) درگیر جنگ با جاپان و آلمان شده بود. در این میان، نظر اداره آمریکا در قبال افغانستان کاملاً دگرگون گردیده بود. وزارت دفاع این کشور دفعته متوجه شد که افغانستان از اهمیت به سزای ستراتیژیک برخوردار است. نظامیان دیدگاه و نگرانی خویش را در این مورد با وزارت امور خارجه شریک ساختند. فعالیت های روز افزون کشورهای انحن نیز نگرانی دوامدار واشنگتن را بر می انگیخت. حالا دیگر این خود رئیس جمهور آمریکا بود که تقاضا میکرد تا سفارت آمریکا در کابل هر چه زودتر گشایش یابد. با توجه

به تحول در اوضاع بین‌المللی، مامور کهنه کار وزارت امور خارجه آمریکا، همان "اویلیس میوری" معلوم الحال نیز دیدگاهش را در باره افغانستان تغییر داده بود.

**** * * * * *

(۴۵)

در تفاهمنامه ای که "میوری" عنوانی معاون وزارت امور خارجه آمریکا "سامنیر اویلیس" ترتیب داد چنین نگاشته شده بود: "حوادث اخیر در شرق نزدیک اهمیت جغرافیایی افغانستان را بسیار بالا برده است. بنابراین بخش شرق نزدیک وزارت امور خارجه توصیه می نماید تا نمایندگی دیپلماتیک آمریکا در کابل افتتاح گردد." در صورتیکه تعرضات نیروهای جرمنی باعث قطع مسیر رسانیدن کمک ها به اتحاد شوروی از طریق قفقاز گردد، حکومت افغانستان به انگلستان مجبور خواهند شد خط اکمالاتی را از طریق افغانستان و هندوستان ایجاد نمایند. حکومت افغانستان به تقاضاهای مسکو و لندن جواب مثبت داده و اتباع "دول انحن" را از کشور خود بیرون ساخت. دور از امکان نیست که وقایع ایران در افغانستان نیز تکرار شود، یعنی در برخی از مناطق این کشور قوای شوروی و انگلستان پیاده شده و جابجا گردند. هرگاه اوضاع در افغانستان مشابه حالت ایران گردد، در این صورت حکومت آمریکا از افغانستان درخواست خواهد کرد تا در انتقال بارها مطابق قانون وام و اجازه * همکاری نماید، چنانچه با ایران نیز همین اصل عملی شد. بخاطر آنکه عملیات متذکره عملی شده بتواند ما نیاز به معلومات داریم، که صرف در موجودیت سفارت ما در کابل به آن میتوان دست یازید." (۲۳)

در صورت تصرف قفقاز توسط جرمن ها، افغانستان مبدل به مرکز انتقال بارها به جانب اتحاد شوروی می گردید. در عین زمان به خوبی مشاهده می شود که حکومت آمریکا در صورت انکشاف ناگوار اوضاع حاضر بود تعهدات و مسؤلیت های خویش را در چهارچوب اتحاد ضد آلمان ایفا کند.

در این میان یک سال دیگر هم سپری شد، تا اینکه نمایندگی سیاسی آمریکا در کابل شروع به کار نمود. بی اعتنایی به افغانستان (که به یک عادت مبدل گردیده بود) و بندش های بیوروکراتیک عوامل عمده این تعلل بودند. اما "زوج پاولاد" (از آنها قبلاً یاد آوری صورت گرفت) در دفتر خاطرات خویش می نگارند که غرور افغان ها نیز در دیر باز شدن سفارت آمریکا در کابل نقش خاصی خود را بازی کرد. جانب افغان اصرار می ورزید تا در رأس نمایندگی آمریکا در کابل از آغاز باید سفیر کبیر و نماینده فوق العاده قرار داشته باشد، نه شارژدافیر. از دیدگاه سلسله مراتب دیپلماتیک، "شارژدافیر" در سطح پائینتر قرار دارد. اما در امریکای آنروزها کاندیدی برای احراز همچو یک مقام به سختی پیدا می شد، وقت به کار بود. (۲۴)

بالاخره در جون ۱۹۴۲ سفارت آمریکا در کابل گشایش یافت. در رأس سفارت ایالات متحده آمریکا در کابل "کارنیلیویس وان اینگریت"، دیپلمات مجرب، شرق شناس و دوست افغانستان گماشته شد. "وان اینگریت" کسی بود که سالیان متمادی برای گشایش سفارت آمریکا در کابل تپ و تلاش ورزیده بود.

در اثر عوامل متعدد تخنیکی، نمایندگی سیاسی افغانستان در واشنگتن یک سال بعدتر گشایش یافت. به تاریخ ۴ جون ۱۹۴۳ عبدالحسین عزیز اعتبارنامه اش را به رئیس جمهور آمریکا "روزویلت" تقدیم کرد. رئیس جمهور "روزویلت" "حین سخنرانی اش خطاب به سفیر افغانستان گفت:

" باور دارم که گشایش نمایندگی ها در واشنگتن و کابل به معنای آغاز مرحله درک متقابل بوده که حتماً در شگوفایی و تعالی ملت های ما نقش عظیمی بازی خواهد کرد." (۲۵) سخنان "روزویلت" از یک طرف ارزیابی سیاست قبلی دولت امریکا در قبال افغانستان بود و از طرف دیگر به اهمیت روابط دوستانه با افغانستان تأکید می نمود. طوریکه جریانات بعدی نشان دادند، آرزوهای "روزویلت" تا اخیر برآورده نشد. سفیر جدیدالتقرر امریکا در کابل بلافاصله پس از شروع کار با سه مشکل روبرو شد:

- - دشواری های مادی، فرهنگی، اکمالاتی؛
- - نفوذ کشورهای انحناء، منجمله بر سیاست خارجی افغانستان؛
- - وضعیت فلاکتبار و در حال سقوط اقتصاد افغانستان، که در اثر در گرفتن جنگ دوم جهانی، بازارهای خود را در اروپا از دست داده بود.

پس از گشایش سفارتخانه در کابل، امریکائی ها دفعتهً ملتفت شدند که از سطح و حجم رخنه کشورهای انحناء در افغانستان معلومات کافی در دسترس نداشتند. کشورهای انحناء از مدت ها قبل افغانستان را نقطه اتکاء در آسیای مرکزی برای تضعیف مواضع برتانیه کبیر می شمردند. در حکومت افغانستان دسته پُر نفوذی از طرفداران آلمان فعالیت داشت. (۲۶)

در همچو شرایط پیچیده سفیر "وان اینگیرت" وظیفه داشت تا مناسبات دوستانه را با افغانستان تأمین نماید، نفوذ کشورش را بیشتر سازد و کابل را برای همکاری با ائتلاف کشورهای ضد هتلری تشویق و ترغیب نماید. رهنمودهای محرمی که به سفارت از واشنگتن مواصلت میکردند نیز روی همین مسائل متمرکز می بودند.

* قانون وام و اجاره، قانونی بود که طبق آن دولت ایالات متحده می توانست به دولت هایی که با آلمان و متحدان او در حال جنگ هستند، محصولات تولید شده جنگی را به عنوان وام در عوض پول نقد بپردازد و یا آنکه آن وسایل را به آنها اجاره دهد.



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!